

اتحادیه امت اسلامی (طرحی در پی آمد و ساختار جها نشمولی اسلام)

اتحادیه امت اسلامی (طرحی در پی آمد و ساختار جها نشمولی اسلام)

پروفسور حمید مولانا ([1])

بسم الله الرحمن الرحيم

حمله و تهاجم آمریکا و انگلیس به عراق و تصرف و اشغال این کشور اسلامی بدون موافقت شورای امنیت سازمان ملل متحد و مخالفت و اعتراضات شدیدی که از طرف دول مختلف و اکثریت قریب به اتفاق افکار عمومی دنیا در این مورد به عمل آمد، نشان داد که پدیده به اصطلاح جهانی سازی و جهانی شدن نظام بین المللی امروزی اسطوره ای بیش نیست. آنچه مشاهده می شود و تجربیات دهه اخیر ثابت کرده است، جریان نا آرام جهانی کردن قدرت و ثروت و ارزشها است که دگرگونی دنیای امروزی را با نوع سلطه گرائی در قرن گذشته متمایز می سازد. جنگ یک جانبه آمریکا و انگلیس در عراق همچنین نشانه و شاخمن جریان دیگری است که مدت‌ها است در دنیای اسلام و در تاریخ معاصر ملاحظه می شود و این جریان دوشاخه متفاوت در بردارد: یکی بیداری و بسیج مسلمانان و امت اسلامی در جستجوی یک الگوی وحدت گرا و رهایی بخش، و دیگری پراکندگی و شکاف و تفرقه در بین دولتهاي ممالک اسلامی.

در بسیاری از کشورهای اسلامی فاصله بین امت اسلامی (مردم و جامعه) و دولتهاي حاكم بر ممالک و سرزمین های اسلامی در حال افزایش است. بطور خلاصه روابط و ارتباطات جهانی و جهانشمولي حاصله از آن در چارچوب نظام تکنولوژی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی جهان امروز به معنای روابط و ارتباطات همگانی و عالمی نیست.

موضوع مهم و دومی را که ما باید با دقت مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم پدیده نوآوری اسلام در يك ربع قرن اخیر بویژه از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا امروز بوده است. این پدیده نیز دو بعد اصلی دارد: یکی مقاومت و مبارزه امت اسلامی علیه تجدد و نوگرانی سلطه جویانه غرب و دیگری کوشش و جهد برای يك نظام اسلامی فراسوی نظام "ملت - دولت" کنونی است. به عبارت دیگر اسلام و انقلاب اسلامی تنها اردوگاه مهم و مؤثر علیه سلطه گرائی و تجددگرائی غرب گردیده و اسلام گرایان و امت اسلامی تنها جامعه و گروهی هستند که به طور جدی خواستار يك نظام فرامرزی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی می باشند.

موضوع سوم در این مقوله و بحث ما هیئت خود جهانشمولي اسلام می باشد. بیش از هر الگو و پارادیم موجود در تاریخ پارادیم و الگوی اسلام با جهانشمولي آمیخته و بر مبنای جهانشمولي پایه ریزی شده است. چهارده قرن قبل، ادوار طولانی پیش از اینکه اصطلاح امروزی جهانی سازی و جهانی شدن و جهانی کردن متدالول و مد روز شود، اسلام برای اولین بار در تاریخ نه تنها چارچوب و نظریات و بنیاد جامع جهانشمولي را به جامعه بشری عرضه نمود بلکه در مدت بسیار کوتاهی توانست این جهانشمولي را بر مبنای عقیدتی و ایمان را در بستر و عرصه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و علمی و فرهنگی پیاده کند. دستورات اسلام جهانشمول است: "وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِين" یعنی "ما تو را جز رحمتی برای جهان نیان نفرستادیم" (آیه 107 سوره انبیاء).

انقلاب اسلامی ایران دو پدیده مهم قرن بیستم، یکی بنیاد و ساختار نظام "ملت - دولت" و دیگری مدرنیته یا تجدد و نوگرایی غربی را زیر سؤال برد و یک دید جهانی سازی و جهانی شدن اسلامی را که فراسوی مرزهای سیاسی، نژادی، ملی و قومی باشد، تقویت و در دستور روز قرار داد. یکی از منابع بزرگ

اقدار در روابط بین الملل تعیین دستور روز است. هر گروهی، هر فردی و هر ملتی که بتواند دستور روز را تعیین کند، او در دنیا اولویت پیدا می‌کند. امروز علیرغم مشکلات و سدهای بزرگی که جهت جلوگیری از توسعه انقلاب اسلامی ایران در جهان ایجاد کردند، اسلام در دستور قرن بیست و یکم قرار گرفته، ولی در عین حال الگوی غالب مدرنیته در جلد و نقاب "جهانی سازی" و "جهانی شدن" احیاء گردیده و ممالکی ما نند ایران تنها سنگر مقاومت علیه نظام جهانی شده‌اند. مسلمانان در سراسر دنیا به مقاومت و مبارزه خود، همانگونه که در فلسطین اشغالی و در سایر نقاط در این چند دهه مشاهده کرده‌ایم، ادامه می‌دهند ولی متأسفانه آنها فاقد یک سیستم حکومتی و دولتی اسلامی هستند. این خود یک سؤال بزرگی را مطرح می‌کند: آیا دنیای امت اسلامی در مقابل جریان جهان‌نشمولي اقتصادی، فرهنگی و تکنولوژی امروزی که ادامه سلطه گرایی گذشته است سکوت اختیار کرده و بی‌تفاوت خواهد ماند و در نتیجه بیش از بیش در نظام جهانی استکباری امروز ادغام خواهد شد و یا اینکه با اتحاد و وحدت و واقع شناسی بجای واکنش و انعکاسهای آنی و پروژه‌های پراکنده و متفرقه و تزئینی که این روزها اغلب از طرف برخی از دولتها و گروههای ممالک اسلامی دیده می‌شود، مأموریت تاریخی خود را انجام داده و با درایت کاملی مدلولات فکری و عملی خود را در چارچوب جهان‌نشمولي اسلام به دنیا ارائه خواهد کرد.

طرح تشکیل اتحادیه امت اسلامی، موضوع چهارم گفتار و بحث ما، قدمی است در مسیر و در پی آمد و ساختار جهان‌نشمولي اسلام و در تشکیل یک نظام جهانی جدید فراسوی نظام کنونی ملت - دولت و سفسطه‌های جهانی سازی آن.

اتحادیه امت اسلامی به عنوان یک واحد جهانی رهایی بخش و وحدت گرا متشکل از جامعه و حکومت اسلامی است. مفهوم امت ثقل و مرکزیت این اتحادیه را تشکیل می‌دهد و در حقیقت چارچوب جامعه شناسی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تکنولوژی و نظامی جهان‌نشمولي و نظام اسلامی می‌باشد. مفهوم امت در اینجا متصل به مفهوم جامعه یا مترادف آن در معرفت شناسی و انسان شناسی و جامعه شناسی غرب نیست. مفهوم امت ابعاد مردم، اجتماع، جامعه، دولت و اقتصاد را در بردارد بنا براین اتحادیه امت اسلامی واحد حکومتی، دولتی، مردم سalarی و بالاتر از هم مکتبی و خداشناسی و ایدئولوژی مسلمانان می‌باشد. اتحادیه امت اسلامی نه شبیه "اتحادیه اروپا" و نه چیزی مانند "ایالات متحده آمریکا" است و بنا براین با چنین عنوانها یی مانند "اتحادیه کشورهای اسلامی"، "جماهیر کشورهای اسلامی" و با سازمانها یی مانند "سازمان

کنفرانس ممالک اسلامی" کا ملا تفاوت دارد.

فلسفه و اندیشه سیاسی غرب همیشه "جامعه" و "دولت" را از یکدیگر جدا نگاهداشته است.

قرنها است کہ فلسفه های سیاسی و اجتماعی غرب به دو موضوع جدا ولی مربوط به یکدیگر تکیه کرده اند: جامعه و دولت. جامعه ای زابل شد و جامعه دیگر پدید آمد. دولتها یی رفتند و دولتها یی دیگری قدم به عرصه وجود گذاشتند. هما نظریکه بارها ذکر کرده ام، اگر جامعه یا تحقیق در مورد جامعه، جوهر فلسفه اجتماعی غرب بوده، درگیری جوامع و رویارویی اجتماعی و ضد اجتماعی نیز روی دیگر همان سکه بوده است.

مفهوم جامعه مدنی یک پدیده غرب است و تلاش دیگری است برای جستجوی جامعه ای که در آن حقوق دولت و افراد به روشنی از یکدیگر متمایز شود. چنین شکافی بین مردم و دولت، بین جامعه و حکومت در جهان شمالی اسلام و مفهوم امت وجود ندارد. از دوران قرون وسطی در غرب، بویژه از دوران "سن بندیک" و نوشه های "سرتوماس مورتا"، کارهای متفکرین سیاسی و اجتماعی در قرون هیجدهم و نوزدهم نظیر "پرودون"، "مارکس"، "دو توکویل" و دیگران موضوع جامعه مؤید ارتباط بین انسان و دنیا فیزیکی، رابطه گروهها و پدیده های طبیعی بوده است. این موضوع به ابعاد تکنولوژی، سیاسی، دیوان سالاری (بوروکراسی) و حتی ریاست شناسی و محیط شناسی (اکولوژی) جامعه می پرداخت و بر نظام چند حزبی متمرکر بود ولی همیشه در مهمن همبستگی وجود متفاوت فعالیتهای انسانی به عنوان یک واحد، نا موفق بود.

امور نظامی، سیاسی، اقتصادی، دیوان سالاری و فکری، همگی از یکدیگر مجزا گردیدند. تأکید بر یکی تعیین کننده منازعه اجتماعی و جامعه ای به ارث رسیده در دیگری بود. جوامع بر تأکید بر پدیده های واحد نظیر دین یا سیاست شناخته شده و یا نامگذاری می شدند. مثلاً موضوع جامعه دینی در غرب تا چه

اندازه ای عکس العمل به عدم کفايت جامعه سیاسی بود که ما در کارها و آثار متفکرین و نظریه پردازانی نظیر اگوستین، آکوئینس، لوتر، کالوین و کگارد شاهد آن هستیم.

اتحادیه امت اسلامی بالطبعیه باید از پایین یعنی از ردیف مردم و اجتماع و رهبران اسلامی شروع گردد و بعد و بسیج جهانی بخود بگیرد و سپس "دولتهای اسلامی" را شامل شود زیرا قریب به اتفاق دول کنونی ممالک اسلامی بر پایه الگوی "ملت - دولت" غرب بنا شده و با خاصیت سکولار (غیر دینی) یا نیمه سکولار و غیر مردمی و انحصاری خود هرگونه پیوستگی و اتحادیه وحدت را از روزنه منافع ملي و طایفه ای و قومی و از دیدگاه فلسفه سیاسی مسلط امروز غرب و نظام سیستم حاکم بر جهان آن می نگردند. بحران مشروعیت سیاسی در ممالک و دنیای اسلام در عصر حاضر در تغییر و تحولات وارد به "الگوی ملت - دولت" یا "دولت ملي" نیست بلکه در اصل وجود و تعارض با چنین نظام سیاسی می باشد، به طور خلاصه، از نظر ما نظام "ملت - دولت" با فرهنگ سیاسی و جهانشمولی اسلامی متناقض بوده و این مبنا و علت اصلی بحران مشروعیت سیاسی و حکومتی در سرزمین های اسلامی می باشد.

در جهان امروز دیگر نمی توان تلقی کلاسیک از روابط بین الملل، یعنی روابط متقابل بین دولتها و زبدگان سیاستگذار را به عنوان تنها بعد مطالعات سیاسی و اقتصادی در نظر گرفت. چیزی که در این دوره به ظاهر کنشهای بین المللی و جهانی به همان اندازه مهم است ناتوانی کشورهای به اصطلاح در حال توسعه از جمله ممالک اسلامی در اثربخشی بر روند پیشرفتی کنونی جهان در یک حد قابل اعتنا می باشد. مفهوم متداول امروز جهانشمولی بودن با مفهوم همگانی یکی نیست. آشنا یی با دو نگرش متضاد در عرصه بین الملل که ظهور جدید ملي گرایی و قوم گرایی را در برابر جنبش همه شمول قرار داده است، ضروري است. از طرفی حرکت به سمت منطقه گرایی که در وهله اول در یک چارچوب اقتصادی، که منعکس کننده تکنولوژیها و فرآیندهای تولیدی در حال ظهور باشد، بروز کرده است. کمرنگ شدن حاکمیت ملي، افول نظام قدرتی "ملت - دولت" موجودیتهای نوین دولتهای حاشیه ای یا ناحیه ای ابعاد مهم این پدیده می باشد.

اتحادیه امت اسلامی پیشنهاد شده در اینجا امت اسلامی واحدی است وحدت گرا از مجموع ممالک متحده اسلامی. اتحادیه امت اسلامی امت متحده اسلام است که نظام "ملت - دولت" را پشت سر گذاشته و از آن عبور کرده است. مفهوم امت در طرح پیشنهادی اتحاد امت اسلامی به صورت جامع و گسترده بی به کار رفته است و شامل تمام جوانب اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حکومتی می شود. مقصود ما از امت بررسی آن در مقطع جامعه - حکومت است و نه توغل در امور فردی و گروهی و یا سطوح اختصاصی و باریک جامعه شناسی و علوم سیاسی و اقتصاد آن. با وضع کنونی دول ممالک اسلامی و وابستگی های موجود در نظام کنونی جهانی، نباید انتظار داشت که فکر و پیشنهاد تشکیل اتحادیه امت اسلامی به معنای یک نظام مستقل و واحد مورد استقبال همه یا حتی اکثر دول کنونی حاکم بر سرزمین های اسلامی قرار گیرد زیرا ابداع و تأسیس چنین اتحادیه ای منافع شخصی و گروهی نخبگان حاکم را به خطر انداخته و پایه های موجود قدرت را به چالش طلبیده و تهدید خواهد نمود. ولی رشد و نمو چنین نهضتی از طریق آگاهی، بسیج و تشكیل بیش از یک میلیارد و نیم مسلمان دنیا که فراسوی مرزها را در برگرفته و یک حرکت جهانی گردد امکان پذیر و در حقیقت ضروری است. در وضع کنونی جنبش و نهضت های اسلامی اغلب در سطح ملي و مملکتی بوده و فاقد یک رهبری و رهنمود بین المللی و جهانی می باشد. در شرایط کنونی تنها جنبش های مردمی در سطح امتی است که باعث جابجایی قدرت و تغییر و اصلاح در سطح بالا و حکمرانان و دولتها خواهد بود و نه بر عکس زیرا تجربه جوامع اسلامی در چند قرن اخیر بخوبی نشان می دهد که هسته های قدرت و احساسات آن در حوزه جوامع اسلامی نهفته است و رهبران مدبر و موفق و با ایمان به جهانشمولی اسلامی از میان مردم برخواسته اند. نهضت های پیروزمندانه اسلامی قرن اخیر بویژه انقلاب اسلامی ایران بهترین نمونه این جریان بوده و انتقال قدرت در سطح جهانی می تواند از تجربیات چند دهه اخیر بهره مند شود.

اتحادیه امت اسلامی بر عکس "اتحادیه اروپا" و سایر اتحادیه ها مشابه ملي و منطقه ای و جهانی نمی تواند از آغاز با اتحادیه های گمرکی، مالی و اقتصادی و حتی سیاسی دولتی صورت عمل به خود بگیرد، زیرا پایه جهانشمولی اسلام و استوار بودن آن در سطح بین المللی با ارزشها و اخلاق اسلامی باید هماهنگ و هموار باشد. الگوی جهانشمولی اسلامی امت با الگوی سرمایه داری امپریالیسم و نئولیبرالیسم و سکولار امروزی منافات داشته و در دو قطب مخالف قرار دارند، بحران و کشمکش موقعی بوجود می آید که یک الگو می خواهد خود را بر الگوی دیگری تحمیل کند. سلطه گرایی در چارچوب الگوی امت اسلامی ممنوع است. بحران امروز جهانی و در حقیقت بحران امروزی در غرب این است که جهانشمولی مورد حمایت غرب می خواهد ارزشها و اخلاق خود را بر جوامع اسلامی و دیگران تحمیل کند. علاوه بر این چنین جهانشمولی پایه های مادی و اقتصادی و تکنولوژی داشته و قادر یک تئوری و نظرپردازی سیاسی و اجتماعی است و

هما نظری که تجربیات و آمار چند دهه اخیر نشان می دهد اینگونه جهانی سازی و جهانی شدن از بالا به پایین تحمیل شده و تراویش پیدا می کند.

ضرورت بازنگری و تغییرات حاصله در سیستم بین المللی و جهان امروزی را باید با ذکر تلویحی در توصیف شرایط و با توجه به پدیدار شدن شاخص های جدید و اهمیت روزافزون عوامل فرهنگی و معنوی و دینی، و افول اقتدار حکومتی و سرانجام تغییر در مقوله ها و شیوه های نظری بکار رفته، بررسی و مطالعه نمود:

منتظر از جهانشمولی چیست؟ عملکرد آن چگونه است؟ چه کسی یا چه چیزی آنرا هدایت می کند؟ اخلاقیات جدید موجود در این نوع ساختارها چیست؟ منافع چه کسانی از این طریق تأمین می گردد؟ اگر گروههای انسانی از مرحله جهانی شدن به دور هستند، پس علائم جهانی شدن و جهانشمولی اسلامی چه باید باشد؟ اگر جهان بسوی یک قطبی شدن قدرت پیش می رود، آن قطب قدرت چه می تواند و چه باید باشد؟ محورهای حرکت و اقدام در تشکیل و تأسیس اتحادیه امت اسلامی که ملیت ها و فرهنگها و تنوعات محلی و منطقه ای را در برداشته باشد، چیست؟

مدلولات چند قرن اخیر غرب بر این اصل تکیه نموده که "صلح" و "دموکراسی" در سطح ملی و بین المللی "با توسعه اقتصادی"، با "اتحادیه ها" و "بازارهای آزاد" سرمایه داری بوجود آورده می شود و ارزشهای سکولاریسم نجات دهنده بشریت می باشد. تجربیات جنگهای جهانی اول و دوم، جنگ سرد، فروپاشی شوروی، ظهور قوم گرایی در اروپا و ملی گرایی در آمریکا، اختلاف سیاسی و فرهنگی در اتحادیه اروپا و جنگهای منطقه ای از کره و ویتنام گرفته تا جنگ خلیج فارس و حمله اخیر به عراق این نظریه را بیش از هر موقع بی اعتبار کرده است. امروز تحلیل گران غربی که از جریان جهانشمولی امروزی حمایت می کنند معمولاً طرحی از چگونگی بودن تغییرات در دوران مدرن و باصطلاح "پس مدرن" عرضه می دارند. به رغم آنها یکی از نتایج اولیه مدرن بودن همانا جهانشمولی است. این چیزی است بیشتر از انتشار نهادهای غربی در پنهان گیتی که منجر به تخریب دیگر فرهنگها می شود. جهانشمول سازی فرآیندی است ناهموار که

هم پیوند می زند و هم متلاشی می سازد. اشکال جدیدی از وابستگی متقابل می آفریند که در آن خبری از "دیگران" نیست. استدلال این نظرپردازان ماهیتاً تناقض آمیز است. اگر جها نشمولی سازی اساس مدرن بودن است و اگر جها نشمول کردن فرهنگ غربی دنیای مستقلی بوجود می آورد که در آن کسان دیگری وجود ندارند، پس چگونه است که فرهنگهای غیر غربی در ایجاد شرایط مدرن سهمی ایفا می کنند؟ بعلاوه اگر به زعم این تحلیل گران غرب، مدرن بودن "ذاتاً آینده نگر است" و "بیش بینی آینده به عنوان جزئی از حال عمل می کند و نتیجتاً منعکس کننده نحوه پیشرفت آینده است"، پس آینده به نحو مؤثری به مالکیت مطلق در آمده است. مدرن بودن نه تنها تسلط قطعی غرب بر زمان حاضر را تضمین می کند، بلکه به همین ترتیب بر آینده نیز چنگ می اندازد.

امروز انحصار و مونوپولی نخبگان غرب بر دانش و علم و سیاست و اقتصاد شکسته شده است. آنچه دنیا و جهان امروز را با قرون نوزدهم و حتی اوایل قرن بیستم فرق می دهد، وجود قدرتهای علمی و فکری و بیداری توده های مردم فراسوی قاره های اروپا و آمریکا می باشد. اگر نوگرایی و جها نشمولی با ایجاد "فضاهای آزاد" در جوامع صورت می گیرد و اگر به حکایت غرب رشد دموکراتی و جامعه مدنی با رشد این فضای باز رابطه مستقیم دارد، بنا براین باید تصدیق نمود که وجود فضای باز و متنوعی که نیم قرن اخیر بنا بر سنت اسلامی و با کمک تکنولوژیهای اطلاعاتی و ارتباطی بین مسلمانان جهان و در داخل و خارج ممالک اسلامی ایجاد شده است، شرایط کافی برای یک نهضتی که طرح تشکیل اتحادیه امت اسلامی را توسعه داده و جها نشمولی و مردم سالاری اسلامی را بوجود می آورد، آماده می باشد. پیشنهاد ایجاد اتحادیه امت اسلامی گرچه بر آگاهی و بسیج افکار عمومی مردم مسلمان جهان تکیه می کند ولی به هیچ وجه درباره نقشی که دولتمردان و حکومتهاي با اصالت اسلامی امروزی می توانند در سطح ملی و بین المللی و سازمانهای جهانی ایفا کنند، غافل نیست.

وحدت اسلامی، مردم سالاری اسلامی، امت اسلامی، جها نشمولی اسلامی، آزادی و عدالت اجتماعی، حقوق و دیدگاههای اسلامی باید جایگزین گفتمان سیاست خارجی دولتها بی گردد که ادعای هویت اسلامی را دارند و ارزشهای فرهنگی و اجتماعی و دینی خود را گرامی می شمارند. نهضت اتحادیه امت اسلامی ممکن است در آغاز فقط از چند کشور اسلامی صورت عمل بخود گیرد ولی این چنین جنبش اگر با دقت و بصیرت رهبری گردد بتدریج وسعت پیدا کرده و با تغییر ساختارهای سیاسی و اقتصادی که در ردیف ملی و محلی بوجود خواهد

آمد، عضویت و شرکت سایر ممالک و دول اسلامی را در بر خواهد داشت.

دگرگونیها و تحولاتی که امروز در نتیجه افزایش جمعیت، توسعه تعلیم و تربیت، پیشرفت تکنولوژیها و تغییرات ارتباطات و اطلاعات در سطح انسانی و سازمانی صورت می‌گیرد، غیر قابل انکار می‌باشد. اگر مسلمانان و امت و دول اسلامی برنامه و نقشه معین برای مقابله با این تحولات نداشته باشند دیگران از آن به نفع خود استفاده کرده و همانند انقلاب صنعتی که چند قرن قبل صورت گرفت، اسیر کنترل و مقررات و اخلاق این جریان خواهند بود.

جهانی سازی امروز غرب برخلاف گذشته تنها با تصرف اراضی و منابع و کار و ثروت سر و کار ندارد بلکه هدف اصلی آن تصرف و اشغال مغزها می‌باشد و بسیج و کنترل مسلمانان به عنوان مصرف کنندگان و دریافت کنندگان محصول و پیامهای جهان‌شمولي جزو دستور گردانندگان این جریان می‌باشد.

تناقضات در جریان جهانی سازی و جهانی شدن امروز فراوان است. بحران حاکمیت ملی در غرب نموداری از این تناقضات است. در حالیکه اتحادیه اروپا از همکری جهانی اروپائیها و از وحدت اقتصادی و سیاسی اعضاي خود صحبت می‌کند، آمریکا از حق حاکمیت ملی خود و دکترین حق شفعه (حق حمله و ضربت اولیه) سخن می‌راند. در تاریخ سیاسی و بین المللی غرب از حقوق و قوانین جهانی خبری نبود تا اینکه ژان بودین (1530–1596 میلادی) با رساله خود در مورد اصل حاکمیت و سپس هوگو گروتیوس (1583–1645 میلادی) هلندي سالهای بعد در نوشته های خود درباره روابط بین الملل شالوده حقوق بین المللی اروپا را ریخته و با خاتمه جنگهای سی ساله در 1648 میلادی و عهدنامه صلح وستفالی اصل حاکمیت ملی و چارچوب نظام ملت – دولت از طرف کشورهای اروپا یی شناخته شد. حقوق و قوانین بین المللی امروزی در اصل بر عقاید این متفکران اروپایی بنای شده و از این جهت با ایده و تجربیات فرهنگ و تاریخ و مذاهب غرب آغشته می‌باشد.

در اینجا باید یادآوری کنیم که اولین و جامع ترین حقوق بین المللی برای نخستین بار در تاریخ بشریت از طرف اسلام و دقیقاً یکهزار سال قبل از حقوق و قوانین بین المللی اروپا بیها به جهانیان ارائه شد. در حقوق و قوانین بین المللی اسلام اصل حاکمیت الهی مستقر است نه حاکمیت ملی، اصل منافع امتی در نظر است نه فقط منافع ملی، اصل امنیت بشری مورد توجه است نه امنیت داخلی و ملی به تنها بی، و اصل عدالت اجتماعی مبنای سیاست گذاری است نه اصل اقتصاد سیاسی و سوداجویی. امروز اصول حاکمیت ملی و منافع ملی دیکته شده و تعریف شده از طرف قدرتهای بزرگ غربی است که بر سیستم های جهانی و ملی از جمله نظامهای موجود در ممالک اسلامی حکومت می کند و این در حالی است که خود مفهوم حاکمیت ملی بر اثر اقدامات بازیگران سیاست بین المللی زیر پا گذاشته شده است.

بسیاری از صاحب نظران درباره فرآیند جهانی سازی و جهانی شدن اطهارنظر کرده اند و برخی این فرآیند را محصول فرعی و گریزنا پذیر تکامل و پیشرفت بشر خوانده اند. گویی این پدیده فرآیندی ارگانیک است که تحت حاکمیت قوانین طبیعی عمل می کند. اما دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که می گوید: جهانی سازی و جهانی شدن امروزی لزوماً پیشرفت طبیعی برآمده از سیر تعاملات و ارتباطات معمول بشر و فرهنگ های متنوع بشری در سراسر کره خاکی نیست، بلکه این پدیده فرآیندی است که از اراده بشر منتج شده است، اراده و انتخاب مجموعه ای از کشورهای قدرتمند، شرکتهای فراملیتی و سازمان های بین المللی که از ظهور چنین پدیده جهانی سازی و جهانی شدن نفع می برنند. بنا بر این جهانی شدن عصر حاضر پدیده پیچیده ایست که دو جریان و نیروی متعارض را در دل خود دارد: یکی توسعه اقتصادی عظیم و ابداعات فنی و دیگری نابرابری افزون تر، بحران اجتماعی - فرهنگی و بیگانگی فردی.

گفتمان جهانی سازی امروزی همانند گفتمان "توسعه ملی" دهه های پیشین یک تاریخ بسیار کوتاه دارد و از برخی جهات آفریده مصنوعی تبلیغات نظام حاکم بر جهان امروز می باشد. قرنها وقتی که اجتماعات، ملل و تمدنها از طایفه گرایی، قوم گرایی، ملی گرایی و منطقه گرایی صحبت می کردند اسلام تنها مکتبی بود که از جهانشمولي و از جهانی سازی و جهانی شدن (اسلام) سخن به میان آورد.

جهان نشمولی اسلامی از دو جهت بی نظیر است: نخست اینکه جها نشمولی اسلامی از جنبه نظری، مکتبی و تئوریک زاییده یک جهان بینی دقیق و منظم و جامع الهی هست که که عدالت بر آن حکمفرما است. دیگر آنکه اسلام تنها مکتبی است که به این دیدگاه جها نشمولی در تاریخ جنبه عملی داد. ظهور و گسترش اسلام در تاریخ بشریت تأثیر فوق العاده ای در جهانی شدن فرهنگ و اقتصاد و علوم و دانش داشت.

روابط تجاری و اقتصادی و مالی بین المللی در سطح محدود بین الملل از زمان تاریخ باستان و در قرون وسطی وجود داشته است ولی اولین سیستم جهانی اقتصاد و بازرگانی و مالی در تاریخ، توسط مسلمانان و در حدود قرون دوازدهم و سیزدهم میلادی صورت گرفت. جاده ابریشم که از چین تا کرانه های دریای مدیترانه ادامه پیدا کرد در حقیقت یک نماد ملموس از این سیستم اقتصادی جهانی بود. سیصد سال بعد در قرن شانزدهم بود که برای اولین بار سیستم کاپیتالیسم و سرمایه داری به عنوان یک نظام جهانی جایگزین سیستم اسلامی گردید.

جهان نشمولی اسلامی بر پایه اخلاق اسلامی نهاده شده در حالیکه جهانی سازی امروزی غرب در انتظار پیدا شد اخلاق ویژه جریان است، در اسلام جهان نشمولی به معنی عالمی بودن است در حالیکه در لیبرالیسم جهان نشمولی به معنی جهانی کردن است و بالطبعیه با عالمیت در تعارض می باشد.

در دنیای باستان، قوانین آشوری ها، بابلی ها، یونانی ها، روسی ها همگی از عقاید و مکتب های بت پرستی سرچشمه می گرفت و آرزو و آمال جهان نشمولی آباء، شاهان و فراعنه آنها در خاک دفن گردید. قانون نامه حمورابی (2081 قبل از میلاد) که الهام بخش تمدن سومری محسوب می شد و قانون و دیوان سالاری نظامی رومیها که در قرون پایانی خود مسیحیت را شامل گردید هیچگاه موفق نشدند مدلولات نظری و علمی خود را فراسوی جهانگشا یی اداری تبیین کنند و بدین ترتیب افکار و ایده و نظریات و جهان نشمولی آنها نیز با شکست و افول امپراطوری ها از بین رفت.

جهان شمالی اسلامی ابعاد مختلفی را حائز بود. جهانی شدن زبان عربی به عنوان زبان قرآنی و اسلامی، بین المللی شدن فارسی و ترکی و گسترش آن در آسیا و اروپا و آفریقای شمالی و در مناطق اقیانوس هند و آسیای مرکزی و مدیترانه و وسعت گیری و اشاعه زبان جدید "سواحیلی" در قاره آفریقا و پیدایش زبانهای محلی در کشورها یی مثل نیجریه امروزی همه مرهون جهان شمالی اسلام و روابط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دنیای اسلام در آمیزش و تماس با جوامع و اجتماعات مختلف جغرافیایی و نژادی است. سیستم شماره ای و عددی و هندسی جهانی امروز اختراع و هدیه مسلمانان در مسیر جهان شمالی بود و پیشرفت و جهانی شدن علم و دانش از جبر و نجوم و پزشکی گرفته تا بازنگری بنیان شناخت شناسی، معرفت شناسی، جامعه شناسی، و جمعیت شناسی همه به مناسبت جهانی سازی اسلام صورت گرفت. حج یک نماد بزرگ از جهان شمالی اسلامی است که در هیچ یک از مکتب‌های دینی و سیاسی و اجتماعی وجود ندارد.

از جنبه جهان شمالی جریان حج بزرگترین واقعه میان فرهنگی است که بطور تداوم از زمان ظهور اسلام تا امروز در سطح جهانی صورت می‌گیرد. حج تنها جریان ارتباطی میان فردی و میان فرهنگی امت است که بر واسطه‌های سازمانی، رسانه ای و ابزاری و تکنولوژی تکیه ندارد و اساس آن بر سه موضوع خلقت، وحدت و امت متکی می‌باشد. حج تنها بسیج جهانی و مردمی است که برای صلح و امنیت برپا می‌شود. در تمام همایش‌ها و کنگره‌های جهانی افراد با نام شغل، تابعیت، ملیت، نژاد، لباس، ثروت و قدرت شناخته می‌شوند. در حالیکه در جهان شمالی اسلامی حج که تنها یکی از فرائض مختلف اسلام است این شاخص‌های هویت به دور ریخته شده است. حج کنگره ملل متحد است.

امروز قرآن پرتریاژترین و پرخواننده ترین کتاب موجود به زبان اصلی در تاریخ بشریت می‌باشد. مسلمانان قرآن را به زبان اصلی آن (عربی) می‌خوانند و قرائت می‌کنند و نه ترجمه آن.

انجیل مسیحیت پرتریاژترین کتاب ترجمه شده است.

پژوهش ترین منابع طبیعی ما نند نفت و گاز، مهمترین مراکز سوق الجیشی و استراتژیکی ما نند کانال

سوئز، جبل الطارق، داردا انل، تنگه هرمز، و پر رشدترین جمیعت و مذاهب جهان متعلق به مسلمانان می باشد. مسلمانان بزرگترین گروه مهاجرین در اروپا (30 میلیون) و آمریکا (7 میلیون) را تشکیل می دهند و اسلام پس از مسیحیت بزرگترین پیروان را در قاره ها و مناطق جهان دارا می باشد. مهم تر از همه اینکه جهانی سازی امروزی غرب بدون شرکت یا ادعام دنیای اسلام غیر ممکن می باشد. و دقیقاً تحت این شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که دنیای اسلام و امت اسلامی بیش از هر موقع دیگر در طول تاریخ مورد توجه و در بسیاری موارد مورد حمله و تجاوز و تصرف بازیگران نظام جهانی قرار گرفته است.

اتحادیه امت اسلامی پاسخی است به این چالش ها و سوالها. "إِنَّهُ أَمْمَةٌ كُمَا مُمَّةٌ وَاحِدَةٌ وَأَنَّهُمْ رَبُّكُمْ فَآتَهُمْ قُوَّةً". این امت واحد شماست و من خدای شما یم پس از من تقوا پیشه کنید". (سوره مؤمنون، آیه 52).

* * *

علاقمندان به نظریات نگارنده درباره بدیده جهانشمولي و اسلام می توانند به کتب و مقالات ذیل مراجعه فرمایند.

1- حمید مولانا، سقوط و ظهور مدرن، انتشارات صبح، تهران، 1380.

2- حمید مولانا، ما را کجا می برند، انتشارات کیهان، تهران، 1380.

3- حمید مولانا، جامعه مدنی؛ نقد و تحلیل، انتشارات پژوهشکده فرهنگ اسلامی، تهران، 1382.

4- حمید مولانا، گذر از نوگرائی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1371.

5- حمید مولانا، ارتباطات و فرهنگ در قرن بیست و یکم"، فصلنامه پژوهشی، دانشگاه امام صادق (ع) شماره چهارم، تابستان 1376.

6- حمید مولانا، تبادل نابرابر در فرهنگ کنون جهانی، نامه فرهنگ، معاونت امور بین الملل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال اول، شماره دوم، زمستان 1369.

7- حمید مولانا، "مباحث فرهنگی جهانی شدن"، اندیشه صادق، نشریه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره 5، زمستان 1380.

8- حمید مولانا، جهان اسلام و رسانه های جهانی، (شماره ویژه گفتگو با پروفسور حمید مولانا)، کیهان فرهنگی، سال نوزدهم، شماره 189، تیر ماه 1381.

9- حمید مولانا، مقاله های چشم انداز در کیهان: "اقتصاد سیاسی جهانی سازی" 3 مرداد 1381/ "حران اقتصادی و جهانی شدن رسانه ها" ، 17 مرداد 1381/ "فرآیند جهانی شدن فرهنگ" ، 10 مرداد 1381/ "جهانی شدن، چالش ها و پاسخ ها" ، 24 مرداد 1381/ "تهاجم اقتصادی و حاکمیت ملی" ، 13 تیر 1381" و "بسیج جهان شمالی اسلامی" ، 10 بهمن 1381.

([1]). استاد ارشد روابط بین الملل و رئیس قسمت مطالعات عالی ارتباطات جهانی در دانشگاه امریکن واشنگتن.